

دیدگاه مفسرین ، مورخین و جغرافی نویسان در مورد مکان، زمان و آیین اصحاب کهف

چکیده

قرآن کریم به عنوان موثق ترین منبع در نزد مسلمانان، پیش از هر چیز، کتاب هدایت، تربیت و حکمت آموزی است و قصص قرآنی در خدمت اهداف هدایتی آن قرار گرفته اند. داستان اصحاب کهف یکی از قصص مشهور در قرآن کریم است که همواره در طول ادوار گذشته مورد توجه مفسرین، مورخین و جغرافی نویسان اسلامی بوده و دیدگاه های و تحلیل های متفاوتی در مورد مکان، زمان و آیین اصحاب کهف از سوی آنان ارائه شده است. این نظریات متفاوت سه گروه مذکور در مورد زمان و مکان و آیین اصحاب کهف انگیزه ای گردید تا در این پژوهش به این پرسش پاسخ داده شود که دیدگاه و نظریات مفسرین، مورخین و جغرافی نویسان نسبت به مکان، زمان و آیین اصحاب کهف چگونه است؟

نتایج بررسی ها حاکی از آن است که مفسران، مورخان و جغرافی نویسان در باب سه موضوع اصلی مرتبط با ماجرای اصحاب کهف دیدگاه های متفاوتی ارائه کرده اند. برخی از پژوهشگران وقوع این رخداد را در دوره فترت، (فاصله میان بعثت حضرت عیسی (ع) و پیامبر اکرم (ص)) و برخی در پس از ظهور حضرت مسیح (ع) صحیح دانسته اند. در رابطه با مکان اصحاب کهف عمده منابع تفسیری، تاریخی و جغرافیایی، اجماع نظری بر این امر دارند که این واقعه در شهری به نام «افسوس» واقع در قلمرو روم رخ داده است. در رابطه با آیین اصحاب کهف غالب دیدگاه های موجود تأکید دارند که آنان گروهی از مردان موحد و خداپرست بوده اند. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی توصیفی-تحلیلی، به بررسی و تحلیل این نظرات پرداخته است .

واژگان کلیدی: اصحاب کهف، مورخین، مفسرین، جغرافی نویسان، آیین اصحاب کهف.

The View of commentators ,Historians and Geographers about the Place, Time and Religion of the Companions of the Cave

Abstract

The Holy Quran, regarded as the most authentic source among Muslims, primarily serves as a book of guidance, education, and wisdom. The Quranic narratives, including the story of the Companions of the Cave (Ashab al-Kahf), are presented in service of these guiding principles. This particular story has garnered significant attention from exegetes, historians, and geographers throughout history, leading to diverse perspectives and analyses regarding the time, place, and religious beliefs of the Companions of the Cave. The varying interpretations among these three scholarly groups have motivated this study to explore the question: What are the perspectives and interpretations of exegetes, historians, and geographers regarding the time, place, and faith of the Companions of the Cave?

The findings indicate that these scholars have expressed differing viewpoints on the three key aspects of this historical narrative. Some researchers suggest that the event took place during the *Fatrah* period (the interval between the prophethood of Jesus (AS) and Prophet Muhammad (PBUH)), while others argue that it occurred after the advent of Jesus Christ (AS). Concerning the location of the event, the majority of exegetical, historical, and geographical sources concur that it transpired in a city called *Ephesus*, located within the Roman territory. Regarding their faith, prevailing views assert that the Companions of the Cave were monotheistic and devout believers. This study, employing a descriptive-analytical approach, examines and evaluates these differing perspectives in light of relevant sources.

Keywords: Companions of the Cave, historians, exegetes, geographers, faith of the Companions of the Cave.

درآمد

قصص قرآنی نه تنها دارای زیبایی‌های بی‌نظیر در زمینه ادبیات و اسطوره شناسی هستند، بلکه دارای پیام‌های عمیق و ارزشمندی در زمینه تربیت و عبرت انسان‌ها نیز می‌باشند. این قصه‌ها با نشان دادن مثال‌های ارزشمند از کرامت، شجاعت، صداقت، تواضع و بسیاری از ارزش‌های اخلاقی دیگر، به ما یادآوری می‌کنند که چگونه باید در زندگی و با دیگران رفتار کرد. هر قصه‌ای که در قرآن آمده است، دارای یک پیام یا عبرت خاص است که انسان را به تفکر وادار می‌دارد. سوره کهف، یکی از سوره‌های پرمعنای قرآن کریم است که اختلاف نظرانی در مورد برخی ابعاد آن چون داستان اصحاب کهف خصوصاً مکان، زمان و آیین ایشان مطرح می‌باشد. این سوره داستان گروهی از جوانانی را روایت می‌کند که به دلیل ایمان و توکل خود به خداوند، از فساد و شرارت زمان خود فرار می‌کنند و در غاری پناه می‌گیرند. مفسرین و مورخین و جغرافی نویسان در کتب خویش به بحث و گفتگو در مورد این واقعه تاریخی در قرآن پرداخته‌اند و جزئیاتی چون مکان، زمان و آیین اصحاب کهف را مورد بررسی قرار داده‌اند. محققین در این زمینه با نظرات مختلف در پی روشن شدن و دست یافتن به برخی مجهولات این داستان برآمدند. اختلاف نظرات در مورد مکان، زمان و آیین ایشان در سوره کهف، از یک سو نشان از عمق و چگونگی نگاه محققین به متون قرآنی است و از سوی دیگر، از اهمیت و ارزش این سوره برای بررسی و تدبر آن برای ما مسلمانان می‌نماید. روایات فراوانی در منابع در خصوص داستان اصحاب کهف دیده می‌شود که بعضی از نظر سند قابل اعتماد نیستند و برهمین اساس میان بعضی از آن‌ها تضاد و اختلاف ایجاد شده است.

پژوهش‌های گوناگونی در خصوص اصحاب کهف صورت گرفته است؛ به عنوان نمونه، حیدری، شریفی و حلیمی جلودار (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان "اصحاب کهف؛ روایتی مسیحی یا قصه‌ای قرآنی؟". این مقاله به نقد و بررسی دیدگاه خاورشناسانی که داستان اصحاب کهف را اقتباسی از روایت‌های مسیحی می‌دانند، پرداخته است. نویسندگان با روش توصیفی-تحلیلی، تفاوت‌های میان روایت‌های مسیحی و قرآنی از این داستان را بررسی کرده‌اند. پاکتچی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «آزمونی بر خوانش تاریخی روایات قصص: مطالعه موردی داستان اصحاب»، با تکیه بر اطلاعاتی که در منابع درباره موطن اصحاب کهف، مدت خواب اصحاب کهف، نام پادشاه جبّاری که در زمان او به خواب رفتند و نام پادشاه مؤمنی که در زمان او از خواب برخاستند کوشش نموده است تا امکان تطبیق روایات با قطعیات ذکر شده در قرآن کریم سنجیده شود. تیموری (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان «بررسی سبک بیان قصه اصحاب کهف در قرآن و کتب مقدس»؛ در جمع‌بندی کلی از مباحث پایان‌نامه‌ی مذکور معلوم می‌شود که وقوع حادثه اصحاب کهف قطعی بوده و ادیان در مورد کلیت حادثه متفق هستند و باید دانست که خوابیدن آن جوانان در غار حکمت و مصلحتی در بر داشته و برانگیخته شدن آنها نیز با مصلحت دیگری همراه بوده است. یوسفی (۱۳۹۰)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی عناصر قصه در داستان اصحاب کهف»، به این نتیجه می‌رسد که شخصیت‌های داستان اصحاب کهف محملی هستند که خواست و اراده خداوند متعال در آنها متجلی می‌شود و اجزای داستان اصحاب کهف بر اساس رابطه علی و معلولی دارای پیوند زنده و محکم با یکدیگرند. با توجه به اختلاف‌نظرهایی که در روایات، آثار مکتوب موجود از مفسران، مورخان، جغرافی‌نویسان برجای مانده، اهمیت پرداختن به پژوهش‌های مقایسه‌ای و تطبیقی برای روشن شدن این ابهامات و رفع خلأهای موجود در این زمینه وضوح بیشتری می‌یابد. حال این سؤال مطرح

می‌شود که به‌واقع دیدگاه مفسرین، مورخین و جغرافی نویسان در مورد مکان، زمان و آیین اصحاب کهف چگونه است؟ در این راستا با رویکرد توصیفی و تحلیلی تلاش شده است به سؤال تحقیق پاسخ داده شود.

مروری بر داستان اصحاب کهف

داستان اصحاب کهف در هجدهمین سوره قرآن کریم سوره کهف در آیات ۹ تا ۲۶ ذکر گردیده است. ماجرای گروهی از جوانان مومن که برای حفظ ایمان خویش از ظلم حاکم زمان خود به سوی غاری پناه می‌برند را بیان می‌دارد. خداوند متعال در آیه ۹ چنین داستان را آغاز می‌نماید: «أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا». (آیا گمان کردی که اصحاب کهف و رقیم از نشانه‌های شگفت‌انگیز ما بودند؟ [چنین نیست؛ زیرا ما را در پهن دشت هستی نشانه‌هایی شگفت‌انگیزتر از اصحاب کهف است.]). علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خویش سخن امام صادق(ع) را در مورد اصحاب کهف چنین بیان میدارد: آن‌ها در زمان پادشاه جبار و گردنکشی بودند که اهل کشور خود را به پرستش بت‌ها دعوت می‌کرد و در صورت عدم اجابت به قتل می‌رساند. جمعیتی باایمانی که ایمان خویش را پنهان می‌نمودند تا زمانی که تصمیم به ترک شهر خویش نمودند پس به بهانه‌ای از شهر خارج شدند. در راه چوپانی را دیدند که به همراهش سگی بود، سگ به آنان ملحق شد. آنان در پایان روز وارد غاری شدند و به خواب عمیقی فرو رفتند. اصحاب کهف پس از خوابی طولانی بیدار شده و برای تهیه غذا فردی از میان خویش را به شهر فرستادند. آن فرد با تغییرات شهر و مردمانش متعجب شد و هنگامی که ماجرای یکتاپرستی مردم شهر را شنید به همراه پادشاه و عده‌ای از مردم به سوی غار رهسپار شد و در پایان آنان از خدا خواستند که آن‌ها را در همان حال بمیراند. پادشاه آن زمان گفت: سزاوار است که ما در اینجا مسجدی بسازیم؛ زیرا آن‌ها گروهی باایمان بودند(قمی، ۱۳۶۳: ۲/ ۳۱) این داستان در جهان مسیحی اولین بار توسط ژاک ساروک^۱ (متولد ۴۵۲م) بیان گردید، چنانکه در زمان امپراتور دقینوس^۲ (۲۴۹-۲۵۱م) هشت نوجوان اشراف زاده یکتا پرست از ترس ایمان خویش را در دل نهان داشته اما خبر مسیحی شدن آنان به گوش امپراتور رسید و او آنان را سخت آزار داد، جوانان برای حفظ جان خویش از شهر افسوس خارج و به غاری پناه بردند و پس از آن ماجرای خواب و بیداری چندین ساله آنان پیش می‌آید (Nicholas: 1985: ۱۴۵-۱۵۶). داستان به صورت دیگر نیز در متون غربی ذکر شده است چنانکه ادوارد گیبون آنان را هفت تن جوان اشراف زاده مسیحی اسیر امپراتور دیکئوس شدند و به سوی غاری در نزدیکی شهر افسوس پنهان شدند. امپراتور با اطلاع از موضوع دستور بستن دهانه غار را داد اما در این حال جوانان به خواب عمیقی رفتند و به مدت ۱۸۷ سال به اذن خداوند در خواب بودند (Gibbon: 1789-1776) (۲۶۶/۲)

دیدگاه مفسرین و مورخین و جغرافی نویسان در مورد اصحاب کهف

روایات اسلامی، منابع تاریخی و جغرافیایی ضمن حفظ مضمون کلی داستان اصحاب کهف، شاخ و برگ‌هایی نیز بدان افزوده‌اند در این میان مبهم بیان شدن برخی از مباحث اصحاب کهف در قرآن کریم موجب ایجاد اختلاف میان مفسرین، مورخین و جغرافی نویسان در طول ادوار گذشته گردید که از جمله این نکات مبهم زمان

^۱. یا جیمز سروقی James Serugh به عنوان خلیفه کلیسای سوریه به امور مسیحیان می‌پرداخته است. (ستاری، ۱۳۷۶: ۷).

^۲. [decius](#)

و مکان وقوع و آیین این اشخاص می‌باشد. در ادامه بر اساس انواع دیدگاه‌ها به این سه بُعد پرداخته می‌گردد که بدین شرح است:

۱- زمان وقوع داستان اصحاب کهف

میان زمان وقوع حادثه اصحاب کهف اختلاف نظرانی در منابع به چشم می‌خورد. از آیات قرآن چنین استنباط می‌شود که اصحاب کهف در زمانی می‌زیستند که خداپرستی فراموش شده بود و حاکمی بت پرست به نام دقیانوس^۳ که در تاریخ با نام «دکیوس» یا «دیکیانوس» شناخته می‌شود و بین سالهای ۲۴۹-۲۵۱ میلادی حکومت داشته است؛ اما اینکه این داستان در چه برهه‌ای از زمان اتفاق افتاده، محل اختلاف است. بر این اساس در جدول (۱) تلاش شده است اغلب دیدگاه‌ها در این خصوص تجمیع گردد و در پایان یک نتیجه‌گیری برای آن ارائه شود:

جدول ۱- دیدگاه مفسران، مورخان و جغرافی نویسان در مورد زمان وقوع داستان اصحاب کهف

زمان وقوع داستان اصحاب کهف	منبع روایت بر اساس قرن	روایت ذکر شده
بعد از ذوالقرنین	جامع البیان فی تفسیر القرآن (ابوجعفر محمد بن جریر طبری، قرن ۴) (جلد ۴، ص ۹۴۰)	ایشان (اصحاب کهف) پس از ذوالقرنین بودند
قبل از بعثت حضرت موسی (ع)	تأویلات اهل السنة (ابومنصور محمد بن محمد بن محمود ماتریدی، قرن ۴ق) (جلد ۷، ص ۱۵۶)	بعضی همچون حسن و ابی بکر آورده‌اند که آنان قبل از بعثت حضرت موسی (ع) بوده‌اند. از قول حسن و ابی بکر آمده است که: قبل از حضرت موسی (ع) بودنشان صحیح‌تر است چراکه افرادی که از آن‌ها سؤال پرسیدند، اهل تورات بودند. بنابراین احتمال نمی‌رود که بعد از عیسی (ع) بوده باشند و به انجیل ایمان نداشته باشند
ورود به غار قبل از بعثت حضرت عیسی (ع) و خروج از غار در فترت بین حضرت عیسی (ع) و پیامبر (ع)	النکت و العیون تفسیر الماوردی (بوالحسن علی بن محمد بن حبیب ماوردی، قرن ۴-۵ق) (جلد ۳، ص ۲۸۸)	جوانان کهف قبل از حضرت عیسی (ع) به غار پناه بردند و سپس خداوند بعد از حضرت عیسی (ع) یعنی بین فترت او و نبی اکرم (ص) آنان را برانگیخت.
قبل از ظهور حضرت عیسی (ع)	حیاء الحیوان الکبری (کمال الدین دمیری، قرن ۱۴ق) (جلد ۲، ص ۴۹)	ابن قتیبه وقوع حادثه را مربوط به قبل از میلاد مسیح (ع) دانسته است و می‌نویسد اصحاب کهف جوانانی از اهالی روم بودند که قبل از مسیح (ع) به غار پناهنده شدند و در آنجا به خواب رفتند و حضرت مسیح از آنان خبر داد و در فترت بین مسیح (ع) و پیامبر اسلام (ص) مجدداً به دنیا بازگشتند.
قبل از ظهور حضرت عیسی (ع)	مجمع البیان فی تفسیر القرآن (فضل بن حسن طبرسی، قرن ۶ق) (جلد ۱۵، ص ۱۶)	برخی این حادثه را قبل از ظهور عیسی (ع) می‌دانند
	تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب (محمدرضا قمی مشهدی، قرن ۱۴ق)	اصحاب کهف قبل از بعثت حضرت عیسی (ع) بوده‌اند

	(جلو ۸، ص ۳۹)	
قبل از بعثت حضرت عیسی(ع) وارد غار شده‌اند.	الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز(علی بن حسین ابن ابی جامع، قرن ۱۱-۱۲ق) (ص ۳۸۶)	
ازجمله اختلافات این است که در پاره‌ای روایات دارد: پادشاه مزبور که اصحاب کهف از شر او فرار کردند اسمش دقیانوس (دیو کلیس ۶۸۵ م- ۳۱۵ م) پادشاه روم بوده. و در بعضی دیگر آمده که او ادعای الوهیت می‌کرده. و در بعضی آمده که وی دقیوس (دسیوس ۶۴۹ م- ۶۵۱ م) پادشاه روم بوده، و بین این دو پادشاه ده سال فاصله است، و آن پادشاه اهل توحید را می‌کشته و مردم را به پرستش بت‌ها دعوت می‌کرده. و در بعضی از روایات آمده که مردی مجوسی بوده که مردم را به دین مجوس می‌خوانده درحالی‌که تاریخ نشان نمی‌دهد که مجوسیت در بلاد روم شیوع یافته باشد. و در بعضی روایات آمده که اصحاب کهف قبل از مسیح بوده‌اند.	المیزان فی تفسیر القرآن(سید محمد حسین طباطبایی، قرن ۱۴) (جلد ۳، ص ۳۹۱)	
علامه اشاره دارد که ازجمله اختلافات دیگر این است که در پاره‌ای روایات دارد: ابن عباس با حبیب بن مسلم به جنگ رفته بود، درراه به همین غار برخوردند، و در آن استخوان‌هایی دیدند مردی گفت: این استخوان‌های اصحاب کهف است، ابن عباس گفت استخوان‌های ایشان در مدتی بیش از سی صدسال قبل از بین رفته است	الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور(عربی جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی، قرن ۱۰ق) (جلد ۴، ص ۲۱۱)	
از امام صادق (ع) روایت‌شده است که فرمودند: ما به تو آیت‌ها و معجزه‌هایی دادیم که از سرگذشت اصحاب کهف مهم‌تر بود، آیا از این سرگذشت تعجب می‌کنی که جوانانی بودند در قرون فترت فاصله نبوت عیسی بن مریم(ع) و محمد(ص) بود، زندگی می‌کرده‌اند.	تفسیر قمی(علی بن ابراهیم قمی، قرن ۴) (جلد ۳، ص ۳۱)	
روایت از امام علی(ع) که بر دین عیسی بودند	کشف‌الاسرار میبدی(ابوالفضل رشیدالدین میبدی، قرن ۶)(جلد ۵، ص ۶۴۶)	
از اسحاق بن یسار نقل‌شده است ایشان بر دین عیسی(ع) بودند	تفسیر بغوی(حسین بن مسعود بغوی، قرن ۶) (جلد ۳، ص ۱۷۳)	
از اسحاق بن یسار نقل‌شده است ایشان بر دین عیسی(ع) بودند	لباب التأویل فی معانی التنزیل(علاء‌الدین علی بن محمد بن ابراهیم بن عمر الشیخی أبو الحسن، قرن ۸) (جلد ۳، ص ۳۵۳)	فاصله میان حضرت عیسی (ع) و پیامبر اکرم (ص)
از اسحاق بن یسار نقل‌شده است ایشان بر دین عیسی(ع) بودند	تفسیر گازر(ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی، قرن ۸) (جلد ۵، ص ۳۶۰)	
نقل مطلب از تفسیر قمی	تفسیر صافی فیض کاشانی(محمد محسن فیض کاشانی، قرن ۱۱) (جلد ۳، ص ۳۲۱)	
نقل مطلب از تفسیر قمی	تفسیر شریف لاهیجی(محمد بن علی اشکوری، قرن ۱۱) (جلد ۲، ص ۸۷۲)	

تفسیر نورالثقلین از حویزی (عبد علی بن جمعه العروسی حویزی، قرن ۱۱) (جلد ۴، ص ۵۰۷)	حدیث امام صادق (ع) در تفسیر قمی در کتاب کمال الدین و تمام النعمه، ابی ارفع از پیامبر حدیثی نقل کرده مبنی بر اینکه در زمان اردشیر دو خداوند جوانمردان اصحاب کهف و رقیم را برانگیخت
کنز الدقائق و بحر الغرائب (جلد ۸، ص ۳۹)	حدیث امام صادق (ع) در تفسیر قمی
تفسیر روایی البرهان (سید هاشم بحرانی، قرن ۱۱) (جلد ۳، ص ۶۱۷)	اشاره به حدیث علی بن ابراهیم قمی
تفسیر المیزان (ج ۳، ص ۳۸۶)	اشاره به حدیث علی بن ابراهیم قمی
فتح البیان فی مقاصد القرآن (سید محمد صدیق خان قنوجی بخاری، قرن ۱۴ق) (جلد ۴، ص ۱۹۲)	به صورت غیر مستقیم زمان را مطرح می کند که بعد از بعثت حضرت عیسی (ع) است به این صورت که ابن عباس آورده در رقیم نوشته شده اصحاب کهف متمسک به دین حضرت مسیح بوده اند و بقیه مردم کافر بودن و غیر خدا را می پرستیدند
تفسیر نور (محسن قرائتی، قرن ۱۴ق) (جلد ۵، ص ۱۴۳)	اشاره به زمان بین حضرت عیسی (ع) و پیامبر اکرم (ص)
تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (سیده نصرت بیگم امین اصفهانی، قرن ۱۴) (جلد ۸، ص ۸)	با توجه به تفسیر میر محمد کریم که از تواریخ استنباط نموده آمده است که بعد از بعثت حضرت عیسی (ع) بوده است.
صفوه التفاسیر (محمد علی صابونی، قرن ۱۴ق) (جلد ۲، ص ۱۶۹)	اصحاب کهف، بعد از زمان حضرت عیسی (ع) بوده است

با توجه به جدول (۱) عمده مطالب عنوان شده در چهار بخش دسته بندی می گردد: ۱- این قصه، داستانی کهن است که قدمت بسیار دارد و به پیش از میلاد مسیح با فاصله چندین قرن برمی گردد و این داستان به سرگذشت یهودی نزدیک تر است تا مسیحی ۲- در زمان بین موسی (ع) و عیسی (ع) دانسته اند ۳- حادثه اصحاب کهف پس از پیدایش مسیحیت در ایام ملوک الطوائفی رخ داده است ۴- میان دوره فترت از بعثت حضرت عیسی (ع) تا بعثت حضرت محمد (ص) است. بر اساس تطابق صورت پذیرفته در کل این پژوهش و با توجه به بررسی سیر تفاسیر و منابع تاریخی و جغرافیایی بیان شده در قرون مختلف اسلامی می توان مطرح کرد که عمده منابع معتقدند که این واقعه در زمان فترت و فاصله زمانی میان حضرت عیسی (ع) و پیامبر اکرم (ص) رخ داده است.

۲- مکان وقوع قصه اصحاب کهف

مکان وقوع قصه اصحاب کهف نیز یکی از مباحث پرمناقشه در میان مفسرین ، مورخین و جغرافی نویسان است. خداوند متعال در قرآن کریم به پناه بردن اصحاب کهف به غار و فرورفتن آنان به خواب عمیق اشاره نموده است. محققین و پژوهش گران بنا بر داستانها مطروحه محل اصحاب کهف یکی از دو شهر افسوس (Ephesus) یا افسوس واقع در ترکیه می دانند. در منابع شهر افسوس در آسیای صغیر معرفی شده و از مراکز مهاجرین یونانی بود(مینوی، ۱۳۲۸: ۱۰۰) و شهری نزدیک ساحل دریای اژه است(حاج منوچهری، ۱۳۹۸: ۱۷۸/۱). . جرجی زیدان تردیدی درباره اینکه کهف در افسوس بوده نداشته است(زیدان، ۱۹۲۲م: ۷۲/۳). برخی دیگر از پژوهشگران بر این باورند که آن‌ها در محلی نزدیک عمان کاخ‌هایی داشتند و در آن‌ها مقیم می‌شدند و آن محل را وادی رقیم گویند و بقایای این کاخ‌ها کشف شده است در مورد محل غار اصحاب کهف دو احتمال قوی وجود دارد: نخست آنکه این غار در نزدیکی شهر افسوس بوده که هم‌اکنون ویرانه‌های آن نزدیک شهر ازمیر ترکیه است و دوم آنکه این غار در نزدیکی پایتخت اردن در روستایی به نام رجب است که هم‌اکنون مسجدی بالای آن غار وجود دارد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۰۰/۱۲). عمان شهری است در اطراف شام و مرکز سرزمین بلقا است و کهف و رقیم در نزدیکی آن است. (المجدوب، ۱۳۸۰: ۱/ ۲۵۵). در منابع تفسیری، تاریخی و جغرافیایی در مورد موقعیت جغرافیایی غار اصحاب کهف، مناطق مختلفی ذکر شده که در جدول (۲) به بررسی نظرها در این باره پرداخته شده است:

جدول ۲- دیدگاه مفسران، مورخان و جغرافی نویسان در مورد مکان رخداد واقعه ی اصحاب کهف

مکان رخداد واقعه ی اصحاب کهف	منبع روایت بر اساس قرن	زمان و روایت
شهر افسوس از شهرهای یونان	جامع البیان فی تفسیر القرآن ، قرن ۴ق(جلد ۹، ص ۹۳۹)	عبد الله عباس گفت: اصحاب الکهف مردمانی بودند از شهر یونان از شهری که او را افسوس می خواندند
	تفسیر التحرير و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور(محمدطاهر ابن عاشور، قرن ۱۴) (جلد ۱۵، ص ۲۲)	این بحث را به تفسیر طبری ارجاع می دهد
سرزمینی میان غضبان و ایله قبل از فلسطین	تفسیر کبیر طبرانی(ابوالقاسم سلیمان بن احمد بن ایوب طبرانی، قرن ۳-۴ق) (جلد ۴، ص ۱۵۲)	در معنای رقیم اشاره شده: آن سرزمینی است پیش تر از فلسطین و شهر آنان افسوس نام دارد
	تفاسیر تبیان و کشف و البیان(ابواسحاق احمد بن محمد ثعلبی نیشابوری، قرن ۵) (جلد ۷، ص ۱۱)	روایت ابن عباس را نقل می کند(اصحاب الکهف مردمانی بودند از شهر یونان از شهری که او را افسوس می خواندند)
	روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن(ابوالفتوح رازی، قرن ۶)	روایت ابن عباس را نقل می کند(اصحاب الکهف مردمانی بودند از شهر یونان از شهری که او را افسوس می خواندند)

	(جلد ۱۲، ص ۳۱۱)	
...که آنجا مکان آن‌هاست و بین غضبان و ایله در نزدیکی فلسطین می‌باشد	الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل (مخشری، قرن ۶ق) (جلد ۲، ص ۷۰۵)	
در تائید تفاسیر مجمع‌البیان، کشاف و کشف‌الاسرار اشاره دارد که قول اصح روایت ابن عباس است	تفسیر شریف البلبیل القلقل (محمد بن ابی‌الفضل محمد حسنی واعظ، قرن ۸) (جلد ۲، ص ۶۵)	
اینکه آن شهر در نزدیکی ایله قرار دارد اشاره می‌کند	تفسیر ابن کثیر (اسماعیل بن عمرو ابن کثیر، قرن ۸) (جلد ۵، ص ۱۲۵)	
اشاره می‌کند به سخن ابوالفتوح رازی: در معنای رقیم روایت عبد الله عباس را آورده است. ۲ صاحب‌گازر در ادامه اشاره می‌کند که نام آن شهر افسوس است. و کوه در آن بیخاوس، و غاری که جوانان در آن مأوا گرفتند جیرم نام داشت	الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور (عبدالرحمان بن ابی‌بکر بن محمد سیوطی، قرن ۱۰) (جلد ۵، ص ۳۴۹)	
اشاره می‌کند به روایت ابن عباس که از طریق ابن‌جریر و ابن ابی‌حاتم از طریق العوفی از ابن عباس آورده شده	درالمنثور سیوطی (جلد ۵، ص ۳۶۳)	
اشاره به روایت ابن جریر و ابن ابی‌حاتم از طریق العوفی از ابن عباس آمده. همچنین آورده که افسوس از شهرهای آسیای صغیر است و امروز جزء کشور ترکیه در جنوب ازمیر و در عرض شمالی ۳۸ درجه نزدیک ساحل دریای روم و در قدیم معبدی در آنجا ساخته بودند که خرابه‌های آن هنوز باقی است. صحیح همان افسس است از شهرهای آسیای صغیر و فعلاً دهی به نام سلجوق و جزء دولت عثمانی ترکیه است	روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم (محمود بن عبدالله آلوسی، قرن ۱۳ق) (جلد ۸، ص ۲۰۱)	
روایت ابن عباس آمده است.	الاساس فی التفسیر (سعید حوی، قرن ۱۴ق) (جلد ۶، ص ۳۱۶۵)	
اشاره می‌کند که: در حدیثی از ابن عباس آمده که اصحاب کهف در شهر افسوس در روم زندگی می‌کردند	تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم (نصر بن محمد بن أحمد بن ابراهیم السمرقندی، قرن ۴ق) (جلد ۲، ص ۳۳۶)	شهر افسوس در روم (بندری مشهور در آسیای صغیر)
جوانان اصحاب کهف از داقیوس گریختند و به یکی از کوه‌های روم بنام خاوس بفاصله یک هزار ذرع در شرق شهر افسوس پناه بردند. این شهر بر ساحل دریای روم بوده و اکنون دریا از آن دور شده است	التنبیه و الإشراف (علی بن حسین مسعودی، قرن ۴ق) (ص ۱۲۲)	
و اینان از شهر افسوس در کشور رم بودند محل غار در شمال سرزمین روم است.	مروج الذهب (علی بن حسین مسعودی، قرن ۴) (ج ۱، ص ۳۰۰ و ۳۱۸)	
معتصم شخصی را با سفیر خود به دربار روم همراه کرد و او جایگاه اصحاب کهف را دید و ایشان را با دست لمس کرد و این خبر معروف است گرچه این شخص که با دست خود ایشان را لمس کرد محمد بن موسی بن شاکر است در این شک می‌کند که آیا همین مردگان اصحاب کهف بودند و یا اشخاص دیگری بوده‌اند	آثار الباقیه (محمد بن احمد ابوریحان بیرونی، قرن ۵ق) (ج ۱، ص ۴۵۰)	

الجزغرافیه (ابوعبدالله محمد بن ابوبکر زهري، قرن ۶ق) (ج ۱، ص ۲۳)	گزارش می‌دهد در سال ۵۳۲ ق اصحاب كهف را در نزدیکی لوشه در ناحیه غرناطه زیارت کرده است
معجم البلدان (یاقوت حموی، قرن ۷ق) (ج ۱، ص ۷۳)	شهر افسوس در رم، شهری است در حدود طرطوس که گفته می‌شود شهر اصحاب كهف است
جهان نامه (محمد بن نجیب بکران، قرن ۷ق) (ج ۱، ص ۱۰۷)	خلیفه عباسی الواثق بالله، محمد بن موسی یکی از خواص خود را به رسالت روم فرستاد تا موضع ایشان (اصحاب كهف، این كهف بین عموریه و نیقیه واقع است) معلوم کند و کیفیت حال ایشان مشاهده کند
كشف الاسرار و عدة الابرار، قرن ۱۲ق (جلد ۵، ص ۶۴۹)	مسكن ایشان زمین روم بود در شهر افسوس ، گفته‌اند که آن شهر امروز طرسوس نام دارد
تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل، قرن ۶ق (جلد ۳، ص ۱۷۳)	شهر اصحاب كهف افسوس نام دارد در ملك روم
تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل (علاءالدین علی بن محمد بن ابراهیم بغدادی (خازن)، قرن ۸ق) (جلد ۳، ص ۱۵۳)	مانند تفسیر سمرقندی روایت ابن عباس می‌آورد
تفسیر روح البیان، قرن ۱۲ق (جلد ۵، ص ۲۱۹)	آورده است که: كهف غاری است جیرم نام واقع در کوه تبخلوس از حوالی شهر افسوس که در ممالک روم واقع است
نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن (شیخ محمد نهانودی، قرن ۱۴ق) (جلد ۴، ص ۱۱۰)	اشاره دارد که: اصحاب كهف در شهر افسوس از بلاد روم زندگی می‌کرده‌اند و نام کوهی که در آن پنهان شده‌اند ینجلوس است
فتح البیان فی مقاصد القرآن (محمدحسن خان قنوجی بخاری، قرن ۱۴ق) (جلد ۴، ص ۱۹۲)	همین مطلب را بیان می‌کند و ادامه می‌دهد که در نزد عرب نام شهر را طرطوس می‌گویند
حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر (سید عبد الحجت بلاغی ، قرن ۱۴ق) (جلد ۱۵، ص ۱۲۷)	روایت محمد بن اسحق را بیان می‌کند.
جامع البیان فی تفسیر القرآن، قرن ۶ق (جلد ۴، ص ۱۸۶)	اشاره می‌کند به روایت حسن بن ابی الحسن دیلمی با حذف اسناد از ابن عباس که روایت کرده گفت در دوره عمر جمعی از دانشمندان یهود نزد او آمده گفتند... امیرالمؤمنین (ع) عرض کرد بفرمائید، قومی که در این دنیا زندگانی می‌نمودند و مدت سیصد و نه سال پس از فوت به اذن پروردگار مجدداً زنده شده و به دنیا بازگشتند آن‌ها که بودند و در کجا واقعه روی داده‌است؟ فرمودند حبیبم محمد(ص) به من فرموده: در زمین روم شهری بوده بنام افسوس ...

تفسير حدائق الحقايق (معين الدين فراهي هروي، قرن ۱۰ ق) (جلد ۱۶، ص ۲۹۳)	به تفسير روح البيان اشاره دارد.
التيسير في التفسير للقرآن برواية أهل البيت (ماجد ناصر زبيدي، قرن ۱۴ ق) (جلد ۴، ص ۲۵۵)	به داستاني اشاره مي کند که در آن اميرالمؤمنين (ع) اشاره دارد که اصحاب کهف در زمين روم و در شهر افسوس مي زيسته اند
تفسير صفوه التفاسير، قرن ۱۴ ق (جلد ۲، ص ۱۶۹)	اشاره دارد به اينکه اصحاب کهف در شهري از بلاد روم به نام طرطوس بوده اند
تفسير ابن وهب المسمى الواضح في تفسير القرآن الكريم (ابو محمد عبدالله بن محمد بن وهب دينوري، قرن ۴ ق) (جلد ۱، ص ۴۷۱)	فقط به اين اشاره شده است که آنان اهالي شهر افسوس بوده اند
تاريخ الرسل و الملوك) محمد بن جرير طبري) (ج ۲، ص ۵۲۲)	به افسوس به عنوان محل زندگي جوانان کهف اشاره دارد
المحبر محمد ابن حبيب (ابو جعفر محمد بن حبيب، قرن ۳ ق) (ج ۱، ص ۳۵۶)	اسم شهري که در آن زندگي مي کردند (افسوس) بود.
روضه الصفا خواند مير (محمد بن خاوند، قرن ۱۰ ق) (ج ۱، ص ۱۰۷)	اين غار در شهر افسوس واقع است
اخبار الطوال (دينوري، قرن ۳ ق) (ج ۱، ص ۴۳)	بندر افسيس در نزد جغرافي نويسان قديم به نام افسوس يا ايسوس معروف بود و چون غار اصحاب کهف که ذکر آن در قرآن آمده در آنجا بوده شهري داشته است
مجمع البيان (بوعلي فضل بن الحسن الطبرسي، قرن ۵ ق) (جلد ۱۵، ص ۱۶)	فقط اشاره به شهر افسوس دارد
تفسير نسفي (ابو حفص نجم الدين عمر بن محمد نسفي، قرن ۴-۵ ق) (جلد ۳، ص ۱۹)	بيان مي کند که آنان اهالي شهر افسوس بودند
تفسير منهج الصادقين (فتح الله كاشاني، قرن ۱۰ ق) (جلد ۵، ص ۳۱۹)	اشاره دارد که: از ابن ضحاک و ابن عباس روايت است که آن شهر افسوس است که غار جيرام واقع در کوه بناقلوس آنجا است
تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، قرن ۱۲ ق (جلد ۸، ص ۴۱)	به تفسير مجمع البيان رجوع شود

اشاره به
اسم شهر
افسوس

	بیان السعادة فی مقامات العبادة(سلطان محمد گنابادی، قرن ۱۳-۱۴ق) (جلد ۸، ص ۳۸۲)	
علاوه بر افسوس می‌گوید: و شاید نامش طرطوس بوده است		
جوانان اصحاب کهف، از دیار روم بوده‌اند	المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز(بن عطیه اندلسی، قرن ۶ق) (جلد ۳، ص ۴۹۷)	اشاره به اسم دیار روم
آن‌ها جوانمردانی از روم بودند	المعارف (ابن قتیبه، قرن ۶ق) (ج ۱، ص ۵۴)	
اشاره به بلاد روم دارد	البحر المحيط فی التفسیر(ابو حیان غزنای، قرن ۷-۸ق) (جلد ۷، ص ۱۴۲)	
فقط اشاره به سرزمین روم دارد.	تفسیر الثعالی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن(ابوزید ثعالی، قرن ۸-۹ق) (جلد ۳، ص ۵۰۹)	
اشاره دارد به روایتی از ابن اسحاق که آن سرزمین روم بوده است	الاساس فی التفسیر(سعید حوی) (جلد ۶، ص ۳۱۶۵)	
رقیم، دهستانی است در یکفرسخی عمان در اعماق دره، در آن غاری است که دو در کوچک و بزرگ دارد و ادعا می‌کند کسی که از در بزرگ آن وارد می‌شود نمی‌تواند از در کوچک آن داخل شود. اما هر کس آنچه را که مقدسی ذکر کرده می‌خواند می‌بیند که مقصود مقدسی آن نبوده که بگوید این غار همان کهفی است که آن جوانان بدان پناه گرفتند و در آن به خواب رفتند چه او داستان دیگری درباره سه نفری نقل می‌کند که پیامبر خدا از آنان سخن گفته است	احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم(المقدسی، قرن ۴)	رقیم در عمان
عمان شهری است در اطراف شام و مرکز سرزمین بلقا است و کهف و رقیم در نزدیکی آن است	معجم البلدان، حموی (ج ۱، ص ۱۰۱)	
	المجدوب،	رُجیب

بر اساس دیدگاه‌هایی که در تفاسیر، منابع تاریخی و جغرافیایی اسلامی در طول قرن‌ها گفته شده است، مکان غار اصحاب کهف در چند ناحیه از جمله شهر افسوس در یونان یا روم و سرزمینی میان غضبان و ابله قبل از فلسطین، رقیم در عمان بیان گردیده است. اما با بررسی و تحلیل های صورت گرفته اغلب مورخین و مفسرین و جغرافی نویسان این واقعه را در شهر افسوس می دانند. لیکن در اینکه این شهر در کجا واقع شده است نیز اختلاف نظرانی در میان سه گروه مطروحه وجود دارد که با جمع‌بندی همه دیدگاه‌ها و دلایل و نظراتشان این واقعه در شهر افسوس در سرزمین روم اتفاق افتاده است.

۳- آیین اصحاب کهف

منابع مختلف در باب آیین اصحاب کهف به‌عنوان الگویی اخلاقی و ایمانی برای مسلمانان مباحثی و نظریات مختلفی را ذکر کرده است. آن‌ها به‌عنوان نمونه‌ای از افرادی که در مواجهه با شرایط دشوار و ظلم و زور، به ایمان و اصول اخلاقی خود پایبند ماندند و در اغلب منابع تاریخی و تفاسیر قرآنی، پیروان اصحاب کهف به‌عنوان یکی از گروه‌های اولیه و بنیادین ایمان به خدا در تاریخ توصیف شده‌اند با اینکه آیین آن دوره را عمدتاً بت‌پرست معرفی می‌کنند (بهمنش، ۱۳۷۵: ۱۸۴/۱). در روایات مسیحی با وجود تمامی اختلافاتی که در مورد اصحاب کهف وجود دارد اما در اینکه آن‌ها مسیحی بوده‌اند هیچ شکی نبوده است (المجدوب، ۱۳۸۰: ۹۹/۱). در منابع مفسرین، مورخین و جغرافی نویسان اسلامی نظرات مختلفی بیان شده است که در جدول شماره (۳) به جمع بندی دیدگاه ها و نظرات آنان پرداخته است که بدین شرح است:

جدول ۳- دیدگاه مفسرین، مورخان و جغرافی نویسان در مورد آیین اصحاب کهف

آیین اصحاب کهف	منبع روایت	زمان و روایت
باایمان و خداپرست بودن اصحاب کهف	تفسیر قمی (جلد ۲، ص ۳۲)	امام صادق (ع) می‌فرمایند که اصحاب کهف و رقیم در زمان پادشاهی جبار و ستمگر زندگی می‌کردند که اهل مملکت خود را به پرستش بت‌ها دعوت می‌کرد و هر که سرباز می‌زد او را می‌کشت، و اصحاب کهف در آن کشور مردمی باایمان و خداپرست بودند. پادشاه مأمورینی در دروازه شهر گمارده بود تا هر کس خواست بیرون شود، اول به بت‌ها سجده بکند، این چند نفر به‌عنوان شکار بیرون شدند، سپس امام فرمود: اصحاب کهف به‌عنوان شکار بیرون آمدند، اما درواقع از کیش بت‌پرستی فرار کردند
	تفسیر القرآن العزیز المسمی تفسیر عبدالرزاق (جلد ۱، ص ۳۳۴)	اشاره به خداپرست بودن اصحاب دارد
	تفسیر طبری (جلد ۹، ص ۹۴۰)	پادشاه و مردم شهری که اصحاب کهف در آن زندگی می‌کردند، بت‌پرست بودند. ایشان اصحاب کهف را دعوت کرد و گفت دین شما چیست؟ اینجا بود که اصحاب اظهار مسلمانی و خداپرستی کردند
	تفسیر شریف البیلابی القلاقل (جلد ۲، ص ۲۶۸)	اشاره به مشرک بودن پادشاه و ترغیب و تهدید مردم به پرستش بت‌ها و پرستش خداوند توسط اصحاب کهف دارد
	تفسیر صافی (فیض کاشانی، قرن ۱۱-۱۲ ق) (جلد ۴، ص ۲۵۴)	به حدیث علی بن ابراهیم از امام صادق (ع) در تفسیر قمی اشاره دارد
	نورالثقلین (عبد علی بن جمعه العروسی، قرن ۱۱ ق) (جلد ۹، ص ۵۰۴)	به حدیث علی بن ابراهیم از امام صادق (ع) در تفسیر قمی
	تفسیر روح البیان (جلد ۵، ص ۲۱۹)	اصحاب کهف مردمی خداپرست بوده و از ترس پادشاه جبار و بت‌پرست فرار کردند.

	فی ظلال القرآن) سید قطب، ۱۴ق) (جلد ۴، ص ۴۲۰)	نگاه که پادشاه به ایشان تکلیف بت پرستی و سجده به بت کرد این جوانان ایستادگی کردند و گفتند: پروردگار ما همان پروردگار آسمان ها و زمین است، جز او دیگر معبودی را نمی پرستیم
	بیان السعادة فی مقامات العبادة (جلد ۸، ص ۳۶۹)	
	تفسیر الطبری (جلد ۴، ص ۱۷۷)	
	تفسیر المیزان (جلد ۱۳، ص ۳۸۸)	
مسیحی بودن اصحاب کهف	تفسیر القرآن العزیز المسمی - تفسیر عبدالرزاق، قرن ۲ق (جلد ۱، ص ۳۳۴)	روایتی از عیاشی آورده است که امام صادق (ع) فرمودند: اصحاب کهف و رقیم در زمان پادشاه جبّاری بودند که مردم را به پرستش بت وادار و مجبور می کرده و هر کس که اطاعت نمی کرد به قتل میرسانید، اصحاب کهف خدا را می پرستیدند
	روضه الصفا، میرخواند	اصحاب کهف و رقیم جوانمردانی بودند که در جامعه ای مشرک که جز بت ها را نمی پرستیدند، نشو و نما نمودند. چیزی نمی گذرد که دین توحید محرمانه در آن جامعه راه پیدا می کند، و این جوانمردان بدان ایمان می آورند
	ناسخ التواریخ سپهر) ج ۱، ص ۳۴۰	از معمر از اسماعیل بن شروس از وهب بن منبه اشاره به حواری حضرت عیسی (ع) دارد که به آن شهر آمده ولی اشاره مستقیم به اینکه آیا آیین اصحاب مسیحی بوده یا خیر، نکرده است.
	تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم (جلد ۲، ص ۳۳۶)	خداوند در آیه ۹ سوره کهف درباره اصحاب کهف خبر داده که ایشان تنی چند بودند که به خدای یگانه ایمان آورده بودند و از قوم خود که پرستش خدایان دیگر می کردند بیزاری می جستند... آن جوانان که ایمان به خدا آورده بودند به دین مسیح بودند
	تفسیر کبیر طبرانی، قرن ۳- ۴ق (جلد ۴، ص ۱۵۳)	آنان به دین مسیح معتقد بودند
	تفسیر ابن وهب - المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم (جلد ۱، ص ۴۷۱)	از ابن عباس آورده که پادشاه بت پرست بوده و مردم را نیز به بت - پرستی اجبار می کرده است. همچنین بابیان روایت وهب بن منبه اشاره به ورود حواری حضرت عیسی (ع) به آن شهر را دارد.
	تفسیر مجمع البیان (جلد ۱۵، ص ۱۶)	با اشاره به حدیثی از محمد بن اسحق یسار برای اولین بار به صورت مستقیم اشاره به مسیحی بودن اصحاب کهف دارد. به این صورت که: پادشاه طاغی به بت پرستیدن مشغول بود، و برای طواغیت قربانی می کرد. مردم که اهل انجیل بودند نیز به انحراف کشیده شده و پادشاه نیز به آنان فشار آورده و عذاب می کرد، در میان ایشان جماعتی بودند که بر دین عیسی (ع) متمسک بودند.
	الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل (جلد ۲، ص ۷۰۷)	مالک شهر یعنی پادشاه مجوسی بوده است
		دقیانوس بت پرست بود و مردم را به پرستش بت ها دعوت می کرد و مخالفان را می کشت ولی جوانان به خدا ایمان آورده بودند. برخی گویند: وی مجوسی بود و مردم را بدین مجوس دعوت می کرد و جوانان مسیحی بودند
		مردم در زمان اصحاب کهف مثل سایر مشرکین، هم خدا را می پرستند و هم الهه را، یعنی برای خدا شریک قرار می دادند.

سلطان آن‌ها دقیانوس بوده که بعضی گفتند مجوسی بود و بعضی گفتند بت پرست بود و هر که برخلاف طریقه او بود به قتل می رسانید	اطیب البیان (عبدالحسین طیب، ۱۴ق) (جلد ۸، ص ۳۳۱)	
به روایت محمد بن اسحق بن یسار درباره آیین اصحاب کهف اشاره می کند	تفاسیر روض الجنان و بغوی) ج ۳، ص ۱۷۳)	
اشاره به روایت محمد بن اسحق بن یسار دارد.	تفسیر منهج الصادقین (جلد ۵، ص ۳۲۰)	
به مطلبِ تفسیر مجمع البیان اشاره می کند	تفسیر کنز الدقائق (جلد ۸، ص ۴۱)	
از ابن عباس آورده است که اصحاب کهف متمسک به دین عیسی (ع) بود	تفسیر روح المعانی (جلد ۸، ص ۲۰۱)	
غالب مردم آن سرزمین بر طریقه روم شرقی به پرستش بت‌ها مشغول‌اند و تعدادی هم نصرانی بودند	تفسیر التحریر و التنویر (جلد ۱۵، ص ۲۱)	

با توجه به دیدگاه‌هایی که برای آیین اصحاب کهف در طی زمان و سیر تفاسیر وجود دارد اکثر منابع و مستندات تاریخی و جغرافیایی و تفسیری بر این باور می باشند که آنان مردانی خداپرست و بالیمان بوده که به دین حضرت عیسی (ع) ایمان داشته و از آن پیروی می کرده‌اند.

نتیجه

با مرور بر منابع مطالعاتی مختلف در خصوص واقعه اصحاب کهف، این نتیجه‌گیری کلی را می توان مطرح نمود: **زمان واقعه:** قرآن در بسیاری از روایت‌ها، خواننده را در برابر حوادث تاریخی قرار می‌دهد، ولی به زمان وقوع حادثه اشاره نمی‌کند و از عنصر زمان در داستان‌پردازی به اندازه ضرورت و اقتضای موقعیت برای تأمین هدف بهره می‌برد. با بررسی های صورت پذیرفته و تحلیل بر اساس منابع مفسران، تاریخ نویسان و جغرافی نویسان، یک جمع‌بندی کلی می‌توان ارائه داد مبنی بر اینکه واقعه اصحاب کهف در زمان فترت (فاصله بین بعثت حضرت عیسی (ع) و پیامبر اکرم (ص)) رخ داده است.

مکان واقعه: هر چند در بسیاری از روایت‌های قرآن مکان رویدادها بنا بر قرائن مشخص است، اما قرآن لزوماً به مکان‌ها اشاره نمی‌کند و بر همین اساس نام مکان‌های وقوع حادثه و سرزمین اصحاب کهف در قرآن ذکر نشده است و یا حتی ایشان به جای آنکه به موطن اصلی خود نسبت داده شوند، به غار نسبت داده می‌شوند و خداوند آنان را «اصحاب کهف» می‌نامد. با بررسی و تحلیل منابع تفسیری، تاریخی و جغرافیای عمدتاً آنان بر این عقیده اتفاق نظر دارند که این واقعه در شهری به نام «افسوس» روی داده است. البته علی‌رغم تفاوت در موقعیت جغرافیایی شهر افسوس از دیدگاه مفسرین، مورخان و جغرافی نویسان، عمده این منابع بر شهر افسوس در روم تأکید دارند.

آیین اصحاب کهف: با بررسی صورت گرفته در منابع و مستندات تفسیری و تاریخی و جغرافیایی اکثر دیدگاه‌های موجود بر این امر نظر واحدی دارند که اصحاب کهف مردانی خداپرست و باایمان بودند که اغلب منابع آنان را بر دین مسیح (ع) میدانند.

فهرست منابع

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله، «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم». دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون. چاپ اول، ۱۴۱۵ ه. ق، لبنان - بیروت.
۲. ابن ابی جامع، علی بن حسین، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، محقق مالک محمودی، دارالقرآن کریم، ۱۴۱۳ ق. قم - ایران.
۳. ابن عاشور، محمد طاهر، «تفسیر التحریر والتنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور»، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ه. ق. لبنان: بیروت.
۴. ابن عطیة الاندلسی، ابو محمد، «المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز»، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۲ ه. ق. لبنان: بیروت.
۵. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، «المعارف (ابن قتیبة)»، الهیئة المصریة العامة للكتاب، ۱۹۹۲ م. مصر - القاهرة.
۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر «تفسیر القرآن العظیم»، دار الکتب العلمیة منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ ه. ق. لبنان - بیروت.
۷. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن»، آستان قدس رضوی بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه. ق. مشهد.
۸. ابوحیان، محمد بن یوسف، «البحر المحیط فی التفسیر»، دار الفکر، ۱۴۲۰ ه. ق. لبنان - بیروت.
۹. ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد، «آثار الباقیه»، مترجم: دانا سرشت، اکبر، امیر کبیر، ۱۳۸۶. تهران - ایران.
۱۰. اشکوری، محمد بن علی، «تفسیر شریف لاهیجی»، مصحح: محدث، جلال الدین، دفتر نشر داد، ۱۳۷۳. تهران - ایران.
۱۱. امین نصرت، بیگم، «تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن». بینا. بیجا. بی تا.
۱۲. بحرانی، هاشم بن سلیمان، «البرهان فی تفسیر القرآن»، مؤسسه البعثة، چاپ اول: ۱۴۱۵ ق. قم.
۱۳. بحرانی، هاشم بن سلیمان، تفسیر روایی البرهان، مقدمه نویس: شریف، ابوالحسن بن محمد طاهر، مترجم: ناظمیان، رضا، گنجیان خناری، علی، و خورش، صادق، نهاد کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور، ۱۳۸۹. تهران - ایران.
۱۴. بخاری، صدیق حسن خان، «فتح البیان فی مقاصد القرآن». دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، چ اول ۱۴۲۰ ه. ق. لبنان - بیروت.
۱۵. بغوی، حسین بن مسعود «تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل»، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ه. ق. لبنان - بیروت.

۱۶. بکران، محمد بن نجیب، جهان نامه، بازنویسی: ایرانی، اکبر، صفی‌نژاد، جواد، مختاری‌پور قهرودی، علیرضا، اهل قلم. ۱۳۸۲. تهران-ایران.
۱۷. بلاغی، سید صدرالدین، قصص قرآن همراه با فرهنگ قصص قرآن، امیرکبیر، ۱۳۹۳. تهران.
۱۸. بهمنش، احمد، تاریخ یونان قدیم: از آغاز تا جنگ پلوپونز، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵. تهران.
۱۹. پاکتچی، احمد، آزمودنی بر خوانش تاریخی روایات قصص: مطالعه موردی داستان اصحاب کهف، صحیفه مبین، شماره ۴۹، ۱۳۹۰.
۲۰. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد «تفسیر الثعالبی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن». دار إحياء التراث العربی : ۱۴۱۸ هـ. ق. لبنان-بیروت.
۲۱. ثعلبی، احمد بن محمد، «الکشف و البیان المعروف بتفسیر الثعلبی»، دار إحياء التراث العربی ، ۱۴۲۲ هـ. ق. لبنان-بیروت.
۲۲. ثعلبی، احمد بن محمد، عرائس المجالس، بی نا، ۱۴۰۱ ق. بیروت.
۲۳. جرجانی، حسین بن حسن، «تفسیر گازر»، گردآوری: عطاردی قوچانی، عزیز الله، مصحح: محدث، جلال‌الدین، بیجا: بینا، ۱۳۷۸ ق.
۲۴. حاج منوچهری، فرامرز، اصحاب کهف، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۸. تهران.
۲۵. حسنی واعظ، محمود بن محمد، «تفسیر شریف البلال القلاقل»، احیاء، ۱۳۷۶ هـ. تهران.
۲۶. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، «تفسیر روح البیان»، دار الفکر، چاپ اول. بیتا. لبنان - بیروت.
۲۷. حموی، یاقوت بن عبد الله، معجم البلدان، مترجمان: منزوی، علی نقی، جوزی، محمد، و مهرپور، اصغر، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه). ۱۳۸۰. تهران-ایران.
۲۸. حوی، سعید، «الاساس فی التفسیر»، دار السلام، ۱۴۲۴ هـ. ق، مصر-القاهره.
۲۹. حویزی، عبدعلی بن جمعه، «نورالثقلین»، به تصحیح هاشم، رسولی، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ هـ. ق. قم.
۳۰. خازن، علی بن محمد. لباب التأویل فی معانی التنزیل (تفسیر الخازن). ۴ ج. دار الکتب العلمیه. ۱۴۱۵-۱۹۹۵. لبنان-بیروت.
۳۱. خواند میر، غیاث‌الدین بن همادالدین، میر خواند، محمد بن خاوند شاه، و هدایت، رضا قلی بن محمد هادی، روضه الصفاء، دار الطباعة خاصه جديده. ۱۲۷۰. تهران-ایران.
۳۲. دمیری، محمد بن موسی، حیاة الحيوان الکبری، مصحح: بسج، احمد حسن، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵-۱۹۹۴ م. بیروت-لبنان.
۳۳. دینوری، عبدالله بن محمد، «الواضح فی تفسیر القرآن (تفسیر ابن وهب)»، محقق احمد فرید، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق-۲۰۰۳ م. بیروت-لبنان.
۳۴. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود، اخبار الطوال، محقق محمد عبدالمنعم عامر-جمال الدین شیال، الشریف رضی، ۱۳۷۳ ش. قم.
۳۵. رضایی اصفهانی، محمد علی، «تفسیر قرآن مهر»، پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن. ۱۳۸۷ هـ. ش. قم.
۳۶. زبیدی، ماجد ناصر، «التیسیر فی التفسیر للقرآن بروایه اهل البيت»، دارالمحجّه البيضاء، ۱۴۲۸ ق-۲۰۰۸ م. بیروت-لبنان.

۳۷. زمخشری، محمود، «الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۷ق. بیروت.
۳۸. زهری، محمد بن ابی بکر، الجغرافیة، ترجمه: قرچانلو، حسین، و حاج صادق، محمد. ج ۱. ایران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات. ۱۳۸۲. تهران.
۳۹. زیدان، جرجی. العرب قبل الإسلام. ج ۱. مطبعة الهلال. ۱۹۲۲م. قاهره-مصر.
۴۰. سپهر، محمدتقی بن محمدعلی. ناسخ التواریخ. اسلامیه. ۱۳۵۱-۱۳۶۳. تهران-ایران.
۴۱. سمرقندی، نصر بن محمد «تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم»، دار الفکر، ۱۴۱۶ق، بیروت.
۴۲. سید قطب، ابراهیم، «فی ظلال القرآن»، درالشروق، ۱۴۱۲ق، بیروت-القاهره.
۴۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، «الدر المنثور فی التفسیر بالماثور»، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) اول: ۱۴۰۴ ه. ق. قم.
۴۴. صابونی، محمد علی، «صفوه التفاسیر»، دار الفکر، چاپ اول: ۱۴۲۱ ه. ق. بیروت.
۴۵. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، «تفسیر القرآن العزیز المسمی تفسیر عبدالرزاق»، دار المعرفة اول: ۱۴۱۱ق. لبنان-بیروت.
۴۶. طباطبایی، محمدحسین، «تفسیر المیزان»، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۵، ۱۳۷۴ ه. ش. ایران-قم.
۴۷. طبرانی سلیمان بن احمد، «التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)»، دارالکتاب الثقافی، چاپ اول، ۲۰۰۸م. اردن-ارد.
۴۸. طبرسی، فضل بن حسن، «تفسیر مجمع البیان»، ترجمه احمد بهشتی، تصحیح موسوی دامغانی، فراهانی، ۱۳۵۹، تهران.
۴۹. طبرسی، فضل بن حسن، «تفسیر جوامع الجامع»، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵ ه. ش. مشهد.
۵۰. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوك، تهران - ایران، بی تا، جهان.
۵۱. -----، «جامع البیان فی تفسیر القرآن تفسیر الطبری»، دار المعرفة، چاپ اول: ۱۴۱۲ ه. ق. لبنان - بیروت.
۵۲. طوسی، محمد بن حسن، «التبیان فی تفسیر القرآن»، مقدمه نویس: آقابزرگ تهرانی، مصحح محمدمحسن، و عاملی، احمد حبیب. ۱۰ ج. دار إحياء التراث العربی. بیروت-لبنان.
۵۳. طیب عبد الحسین، «اطیب البیان فی تفسیر القرآن»، اسلام، چاپ ۲: ۱۳۶۹ ه. ش. تهران-ایران.
۵۴. فراهی هروی، معین الدین، «تفسیر حدائق الحقایق»، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ه. ش. تهران.
۵۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، «تفسیر الصافی»، مصحح: اعلمی، حسین، مکتبه الصدر. ۱۳۷۳.
- تهران-ایران.
۵۶. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، «تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب»، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی- سازمان چاپ و انتشارات. چاپ اول: ۱۳۶۸ ه. ش. تهران.
۵۷. قمی، علی بن ابراهیم، «تفسیر قمی»، دارالکتاب، ۱۳۶۳ ه. ش. قم.
۵۸. قنوجی بخاری، محمد حسن، «فتح البیان فی مقاصد القرآن»، مکتبه العصریه، ۲۰۰۸م. بیجا.

۵۹. کاشانی فتح الله بن شكر الله، «منهج الصادقين»، کتابفروشی اسلامیة، چاپ اول ۱۳۰۰ ه. ش. تهران.
۶۰. گنابادی (سلطانعلیشاه)، محمد، «تفسير بيان السعادة في مقامات العباد»، ترجمه سيد محمود طاهري، آيت اشراق، ۱۳۹۶-۱۳۹۷. تهران.
۶۱. .
۶۲. گیبون، ادوارد، انحطاط و سقوط امپراطوری روم، مترجم: ابوالقاسم طاهري، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (آموزش انقلاب اسلامی)، ۱۳۷۳. تهران.
۶۳. ماتريدي، محمد بن محمد، «تأويلات أهل السنة (تفسير الماتريدي)»، دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون، چاپ اول: ۱۴۲۶ ه. ق. لبنان - بيروت.
۶۴. ماوردي، علي بن محمد، «النكت والعيون تفسير الماوردی»، دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون، چاپ اول بی تا. لبنان - بيروت.
۶۵. المجدوب، احمد علي، اصحاب كهف در تورات و انجيل و قرآن، ترجمه محمدصادق عارف، بنياد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۰. مشهد.
۶۶. مسعودی، علي بن حسين، التنبيه و الاشراف ج ۱، مطبعة بريل. ۱۸۹۳ م، ليدن - هلند.
۶۷. -----، مروج الذهب و معادن الجواهر، مؤسسه دار الهجرة. ۱۴۰۹ ق. قم - ايران.
۶۸. مقدسی، بوعبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسيم في معرفة الاقاليم، مترجم: علينقی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ايران، ۱۳۶۱. تهران.
۶۹. مكارم شیرازی، ناصر، «تفسير نمونه»، نویسنده آشتیانی، محمدرضا، دار الكتب الإسلامية. تهران - ايران. ۱۳۷۴. تهران - ايران.
۷۰. میبدي، احمد بن محمد، «كشف الاسرار و عدة الابرار»، امير كبير، ۱۳۷۱، تهران.
۷۱. مینویی، مجتبی، ۱۳۲۸، چگونه بیه زن پارسا تسلی یافت؟، منبع: یغما سال دوم خرداد ۱۳۲۸ شماره ۳ (پیاپی ۱۳)
۷۲. نسفی، عمر بن محمد، «تفسير نسفی»، تهران - صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش اول: ۱۳۷۶ ه. ش.
۷۳. نهایندی، محمد، «نفحات الرحمن في تفسير القرآن»، مؤسسة البعثة مركز الطباعة و النشر. چاپ اول: ۱۳۸۶ ه. ش. قم.

- Gibbon, Edward (1776-1789): "The History of the Decline and Fall of the Roman Empire", 6 volumes, Strahan & Cadell, Londo
- Nicholas Sims-Williams. "The Christian Sogdian Manuscript", C2, BTT 12, Berlin. Idem 1988: "Syro-Sogdica III: Syriac Elements in Sogdian", Acta Iranica, 28 (green leaf), pp 145-156. 1985.